

خدا کجاست؟



فرزندم! پرسیده بودی، خدا کجاست؟ تو زمينه؟ و من جواب دادم: نه عزيزم، خدا همه جاست. روى زمين، آسمون، روى كوه و تو به من گفتى: مامان تو دروغ مى گى، چون وقتى باهم به كوه رفتيم من خدا رو نديدم و من در جواب گفتم خدا ديدنى نيست، خدا مثل نوره.

فرزندم! پرسیده بودی، خدا کجاست؟ تو زمينه؟ و من جواب دادم: نه عزيزم، خدا همه جاست. روى زمين، آسمون، روى كوه و تو به من گفتى: مامان تو دروغ مى گى، چون وقتى باهم به كوه رفتيم من خدا رو نديدم و من در جواب گفتم خدا ديدنى نيست، خدا مثل نوره.

سؤال عجيبى است. چرا مى گويم عجيب؟ براى اين كه من هم اين سؤال را وقتى به سنّ تو بودم از پدرم پرسيدم. و پدرم برايم تعريف كرد كه او هم اين سؤال را از پدرش پرسیده؛ و پدر بزرگ من از پدرش... اين است كه عجيب است.

راستش را بخواهى اين سؤال، سؤال همهى فرزندان آدم است؛ و چه سؤال خوبى است. مى دانى چرا؟ حالا برايت مى گويم.

همهى ما گم کرده اى داريم كه نامش خداست! و همه دنبالش مى گرديم و خودمان نمى دانيم. بگذار برايت مثالى بزنم: فرض كن كودكى حيران و سرگردان، اين سو و آن سو مى چرخد و مى گريد و از اين و آن سراغ كسى را مى گيرد. اين #171&گريستن&راquو؛ نشان از دو چيز دارد:

نخست آن كه #171&حتماً كسى وجود دارد&راquو؛ كه نشانش را از اين و آن مى گيرد؛

و دوم آن كه #171&حتماً او را دوست دارد&راquو؛ كه از فراقش مى گريد.

راحت تر برايت بگويم، #171&پرشش&راquو؛ آن كودك، نشانهى #171&عقل&راquو؛ اوست و #171&گريستن&راquو؛ نشانهى #171&عشق&راquو؛ او.

و خدا، اين #171&عقل&راquو؛ و #171&عشق&راquو؛ را براى همين به فرزندان آدم داده است كه او را بخواهند و بچويند و بيايند. و حالا خوشحالم كه تو، هم عقل دارى و هم عشق.

خدای مهربان تو، در همين نزديكى هاست. نزديك تر از آن چه فكر كنى؛ نزديك تر از رگ گردن؛ نزديك تر از خودت... فقط بايد كمى، فقط كمى بهتر ببينى، بهتر بشنوى و بيش تر فكر كنى، همين!

آن وقت است كه تمام زيبايى ها را نشانى از نشانه هاى #171&جمال خدا&راquو؛ و تمام عظمت ها را نشانى از نشانه هاى #171&جلال خدا&راquو؛ خواهى يافت.

آن وقت است كه حس مى كنى چقدر به او نزديكى و او نيز چقدر به تو نزديك است. آن قدر نزديك و صميمى كه بى واسطه اى اين چشم و گوش، محو زيبايى هايش مى شوى و صدايش را مى شنوى و احساس مى كنى چه قدر دوستش دارى.

آن وقت است كه اگر نيم شبى يا سحرگاهى - و يا هر وقت و بى وقت - آرام گفتى: #171&اى خداى من!&راquو؛، جواب مى شنوى: #171&چه مى خواهى بنده من؟&راquو؛

آن وقت حس مى كنى كه رها و آزادى... و آن وقت است كه لذت گفت و گو با محبوب را با هيچ چيز عوض نمى كنى.

آرى عزيزم... سؤال خوبى است؛ راستى #171&خدا كجاست؟&راquو؛

من مى گويم: #171&همين نزديكى ها.&راquو؛

تو چه مى گويى؟